

انقلابیون؛ دهه نخستین

گروه هنر: «انقلابیون؛ دهه نخستین» عنوان نمایشگاه و کتابی با همین عنوان چاپ نشر نظر است که در گالری پروژه‌های آران افتتاح و رونمایی شده است. کتاب انقلابیون ۱۰ سال ملاحظه از تاریخ معاصر ایران را دربر می‌گیرد. بازگشت کاوه کاظمی پس از تکمیل تحصیلات در رشته عکاسی در مهرماه ۱۳۵۷ با شروع انقلاب مصادف می‌شود و او خود را در سیل خروشان مردمی که خواستار سقوط رژیم شاهنشاهی بودند، می‌یابد. مجموعه عکس‌های انتخاب‌شده برای این کتاب و نمایشگاه، بخشی از آرشیو بزرگی از عکس‌های سیاه و سفید هستند که مهم‌ترین وقایع یک دهه سخت از تاریخ کشورمان را به تصویر می‌کشند.

پویایی محسوس و تنش مشهود در این تصاویر خودنمایی می‌کنند. تأثیر متقابل عناصر متضاد و اضطراب و حرکت مداوم عکاس بخشی از جاذبه عکس‌ها هستند. بیش از سه دهه بعد، این تصاویر همچنان قادر به برانگیختن احساسات و یادآوری حقیقت و سوگی نام‌ناپذیر هستند. نگاه شخصی و شور و شوق هنرمند، در کنار اتفاقات و تغییرات زیربنایی که در کشور در این دهه مهم اتفاق می‌افتند، مجموعه درخور تأملی را شکل می‌دهند که قطعا بخشی جذاب از حافظه تصویری ایران برای سال‌های متوالی خواهد بود

کاوه کاظمی در ۲۵ مهرماه ۱۳۳۱ در تهران به دنیا آمد. در چهار دهه



افرا صفا

گرهارد ریشر شاید شناخته‌شده‌ترین نقاش زمانه ما باشد که او را بیشتر با آثار آبستره می‌شناسیم. او اکنون در شهر کلن آلمان زندگی و کار می‌کند، ۸۵ سال دارد،

اما هنوز فعال است. به‌تازگی موزه لودویگ شهر کلن در ماه فوریه گذشته میزبان نمایشی از ریشر بود؛ ۲۶ اثر انتزاعی که همه در سال ۲۰۱۶ آفریده شده بودند. این آثار در اندازه‌های گوناگون؛ از بوم‌های کوچک تا بوم‌هایی بسیار بزرگ در کنار برخی از آثار قدیمی‌تر و چند چیدمان هنرمند قرار گرفته بودند.

ویژگی این نقاشی‌ها رنگ‌های بسیار شفاف و کمپوزسیون‌های چندلایه‌ای است که با قلم‌مو، کاردک‌های بزرگ و ابزارهای دیگر به دست آمده است. پیشینه طولانی ریشر در رنگ‌گذاری لایه‌لایه و بهره‌رگفتن از عامل تصادف و عنصر اتفاق این نقاشی‌ها را به آثاری چشمگیر با جزئیاتی بی‌انتهای تبدیل کرده است.

شاید نقطه آغاز این کارهای گرهارد ریشر در سال

گردشگاه تهران

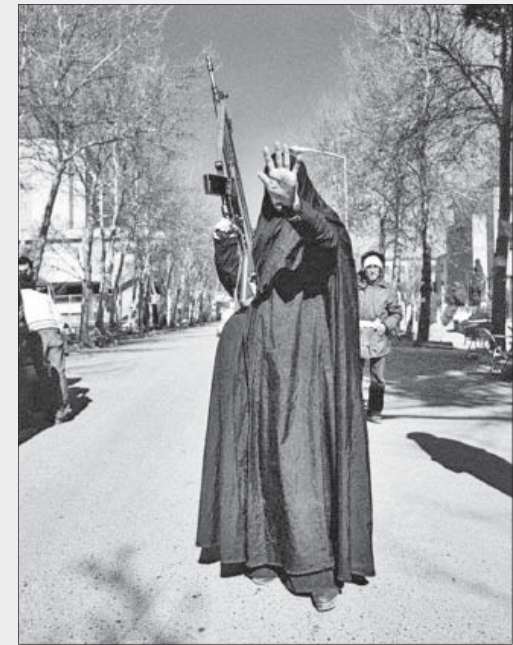
گذشته، کاظمی به‌عنوان عکاس خبری آزاد با رسانه‌های بین‌المللی بزرگ جهان همکاری کرده. تصاویر او خصوصا در روزنامه‌های نیوزویک، نیویورک‌تایمز، اشترن، اشپیکل، پاری مج، اکسپرس و مجله‌های فیکارو و جنو منتشر شده‌اند. عکس «سرباز گریان» که در روزهای نخستین جنگ ایران و عراق گرفته شده است، معروفیت جهانی پیدا کرد و جزء آثار کلاسیک جنگ به شمار می‌رود. او با سفر به کشورهای مختلف مانند ایرلند شمالی، لبنان، نیکاراگوئه، کوبا، یوگسلاوی، افغانستان، اندونزی، سوریه، قبرس، جمهوری آذربایجان و عراق (در زمان جنگ خلیج فارس) دامنه عکاسی خود را توسعه داده و اکنون در زادگاهش ایران زندگی می‌کند و همچنان به کار و عکاسی در منطقه مشغول است. پوشش خبری آغاز درگیری‌ها در سوریه در سال ۱۳۹۱، جنگ برای تصرف موصل در پاییز ۱۳۹۵ و حضور در بین شبه‌نظامیان fark کلمبیا پس از قرارداد صلح در دی‌ماه ۱۳۹۵، جزء آخرین گزارش‌های برون‌مرزی کاظمی هست. تصاویر کاظمی از انقلاب و دیگر کشورهای جهان تا به امروز، در سایت اینترنتی آژانس عکس گتی قرار گرفته‌اند.

نمایشگاه کاوه کاظمی تا ۱۹ خرداد در پروژه‌های آران واقع در خیابان نوفل‌لوشاتو کوچه لولاگر پلاک پنج ادامه دارد و بازدید از آن روزهای عادی همه‌روزه به جز شنبه‌ها، بین ساعات یک تا هفت امکان‌پذیر است.

گرهارد ریشر؛ رقصنده با اوهام

گرهارد ریشر در ۱۹۶۲

بود؛ هنگامی که یک نقاشی رئالیستی از یک میز انجام داده بود که با قلم‌مو روی آن یک خط پهن خاکستری غلیظ کشیده شده بود. پس از آن در دوراهی نیز آثاری کاملا فوتورئالیستی انجام داده بود، اما از دهه ۷۰ میلادی دیگر نقاشی‌هایش کاملا انتزاعی شد. در این تابلوها گاهی اثری وهم‌آلود از چیزی فیکوراتیو دیده می‌شود که دیگر قابل تشخیص نیست. تعریف آبستراکسیون یا انتزاع در کار ریشر دقیقا «غیرفیکوراتیو» بودن است؛ یعنی چیزی کشیده شده است که دیگر معلوم نیست چیست، موزه لودویگ آثاری از پنج دهه کار او را کنار هم قرار داده است و این ترکیب دوران‌های کاری نشان می‌دهد که ریشر در آثارش به دنبال چه می‌گردد. در میان آثار نقاشی انتزاعی، آینه‌ای وجود دارد به عرض سه‌متر که پشت آن رنگ خاکستری زده شده است و اثری قدیمی از اوست. کار دیگری هم وجود دارد که هشت تیغه کلفت شیشه‌ای است که با فاصله‌های چندسانتی‌متری از هم با زاویه‌هایی قرار گرفته‌اند که قسمت بالایشان به‌هم نزدیک‌تر است. هنگامی که بیننده به این اثر نزدیک می‌شود، تصویری نابسامان از خودش را از میان لایه‌های شیشه می‌بیند، درست مانند آثاری که ریشر از تصاویر محو خاکستری



گرهارد ریشر، ۸۵ ساله، در گالری پروژه‌های آران، تهران، ۲۵ مهرماه ۱۳۹۵

می‌کشد. ریشر درواقع در جست‌وجوی به‌نمایش‌درآوردن واقعیت در شکل‌ها و زوایای گوناگون است. می‌خواهد بگوید که تصویرها حتی در زندگی واقعی همیشه رنگی و شفاف نیستند و این خود بخشی از واقعیت است. او میل دارد که همه سطوح واقعیت را به دست دهد. در چیدمان آینه‌ها که اثری از دهه ۸۰ میلادی است، بیننده در مقابل آینه می‌ایستد و اثر را می‌بیند و هنگامی که کنار می‌رود دیگر چیزی برای دیدن وجود ندارد؛ یعنی اثر تا هنگامی زنده است‌که بیننده به آن می‌نگرد و پس از آن نیست می‌شود. ریشر به ما نشان می‌دهد که واقعیت تا این اندازه تعریف‌ناپذیر است. در بخشی دیگر یک نقاشی قدیمی از ریشر به نمایش درآمده است که یک در را در پنج زاویه‌ای که روی پاشنه چرخیده است نشان می‌دهد. این اثر که همواره در میان آثار ضعیف‌تر این هنرمند به‌شمار می‌آمد، با قرارگرفتن در کنار آثار بعدی او اهمیت خود را نشان می‌دهد. طرح‌هایی که ریشر برای این نقاشی زده است نشان می‌دهند که او چه اندازه این در و دستگیره آن را مطالعه کرده و می‌خواسته این را نشان دهد که واقعیت این دستگیره در تغییر زاویه برسپکتیو چگونه دگرگون می‌شود. درواقع واقعیت دستگیره آن است که ما می‌بینیم و با تغییر نگاه ما به چیزی دیگر



عکس: Getty Images

مکعب سفید

یکتابی و متین‌دفتری: یک گفت‌وگوی دیداری

چلنهم در انگلستان رفت و بعد نیز از مدرسه هنر اسلید (یونیورسیتی کالج لندن) مدرک خود را در هنرهای زیبا دریافت کرد. او در دهه ۱۳۲۰ به تهران بازگشت و مدت پنج سال در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. او در همین دوران در برگزاری بی‌نال تهران و جشن هنر شیراز نقش داشت و آثاری نیز در آنها ارائه داد. او در سال ۱۳۵۷ ایران را به مقصد پاریس ترک کرد و تا پایان عمرش در این شهر زندگی کرد. فریدون آو که در زمان زندگی متین‌دفتری در پاریس دوست نزدیک او بود، «ایده مرکزی کارنامه هنری او را این‌طور خلاصه کرد: برای (لیلی متین‌دفتری)، تقسیم‌بندی انتزاع فضا مهم‌ترین غدغه بود».
^۱منوچهریکتایی (ایرانی – آمریکایی؛ م. ۱۳۰۱، تهران، ایران؛ ساکن آمریکا) در تهران متولد شد. او پس از مدتی تحصیل در



دانشگاه تهران، به پاریس رفت و در مدرسه ملی عالیه هنرهای زیبا (بوزار) به تحصیل (۴۷–۱۹۴۶) پرداخت. او سپس به آمریکا رفت و آموزش خود را در آرت‌ستودنتس‌لیگ نیویورک (۱۹۴۷–۴۸) تکمیل کرد. او در دوران زندگی‌اش در پاریس و نیویورک بین ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰، با شخصیت‌های برجسته فرهنگی بسیاری مانند روتکو، پولاک، دکونیک و کلاین محشور بود و از آثار آنها تأثیر گرفت. بااین‌حال، یکتایی به سبک منحصربه‌فرد خود دست یافت و آثار او سوزی موزه‌های معتبری مانند موزه هنر مدرن (موما) در نیویورک، موزه و باغ مجسمه هیرش‌هرن و موزه هنر مدرن سن‌فرنسیسکو (SFMOMA) خریداری شده‌اند. منوچهر یکتایی، یکی از شخصیت‌های برجسته مکتب اکسپرسیونیسم آبستره نیویورک است. او مانند دوستش سهراب سپهری (م. ۱۳۰۷، ۱۳۰۷، کاشان- د. ۱۳۵۹، تهران)، در دوران فعالیت هنری‌اش میان شعر و نقاشی در گذر بوده است. او به‌خاطر آثار آبستره طبیعت بی‌جان، پرتره، منظره و استفاده از تکنیک ایمپاستو شناخته شده است. او در آثارش «...علاوه بر تکه‌های تاب‌خورده ایمپاستو که همانند مجسمه هستند و بر رنگ به‌عنوان ماده رنگی و سطح به‌عنوان سطح فیزیکی تأکید می‌کنند، بر حفظ یک نوع عمق وهمی اصرار ورزیده است... کشش درونی آثار او را می‌توان به‌عنوان تقابلی میان فضای داخل نقاشی و حضور خود ماده رنگی دید».^۲

پی‌نوشت‌ها:

۱. ۳۰۲، ۴:دفتری، فرشته. بازتعریف مدرنیسم در ایران مدرن؛ ۲۰۱۳. نیویورک: آسیاسوایاتی.

۵. مک‌اوبلی، توماس. مقدمه در «منوچهریکتایی: نقاشی‌ها ۱۹۹۷–۱۹۵۱». کاتالوگ نمایشگاه. کیورتیو: دونای اشتاین. ۱۹۹۸. نیویورک: گیلدهال ایست‌مهمپتون.

هنر

تماشاخانه

طرحی نواز مکبث در تالار مولوی

شرق: نمایش «روزی می‌بایست می‌مرد» با طراحی و کارگردانی سیدرضا موسوی از روز سه‌شنبه، ۲۶ اردیبهشت در سالن اصلی تئاتر مولوی به صحنه رفت. «روزی می‌بایست می‌مرد» که طرحی نو از مکبث است، با دراماتورژی احسان زیورعالم و با بهره‌گیری از شخصیت‌های اصلی نمایش‌نامه مکبث، نوشته ویلیام شکسپیر براساس درک موسیقی و رابطه پیچیده‌اش با تکنیک‌های بیانی و بدنی بازیگر برای اجرا آماده شده است.

فریبا طالبی، ایرج تدین، تارا هجرت، نگار سلحشور، فاطمه سوهانی، نغمه گرجیان‌منش، سالار صمدیان، فهیمه قنبری، نیکي ابراهیم‌شاه، الناز معرفت‌خواه و مینا طبیجی، بازیگران این نمایش هستند. اسماعیل شفيعی به‌عنوان استاد راهنما و صاحب جلای در مقام آهنگ‌ساز با این اثر همراهی کرده‌اند.

«روزی می‌بایست می‌مرد»، پس از یک‌سال‌ونیم تمرین مداوم جمعی از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های هنر، هر شب ساعت ۲۰:۳۰ و به‌مدت ۵۵ دقیقه در سالن اصلی مرکز تئاتر مولوی روی صحنه می‌رود.

نمایش‌نامه‌ای از نغمه ثمینی در تالار انتظامی

شرق: نمایش «وصیت‌نامه خانم سارا» نوشته نغمه ثمینی و کاری از زری اماد میزبان مخاطبان تئاتر در سالن استاد انتظامی خانه هنرمندان می‌شود.

نمایش «وصیت‌نامه خانم سارا» با طراحی و کارگردانی زری اماد هر شب ساعت ۲۰:۳۰ در سالن استاد انتظامی خانه هنرمندان می‌شود. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: زنی که فکر می‌کند امشب آخرین شب زندگی‌اش است، برای لحظات آخر زندگی خود به دنبال جایی مناسب است که با کوگو آشنا می‌شود. مرضیه صدراتی، شهرام مسعودی، زری اماد و ارسلان قاسمی بازیگرانی هستند که در این نمایش ۵۰دقیقه‌ای به ایفای نقش می‌پردازند. نمایش «وصیت‌نامه خانم سارا» تا ۱۲ خرداد هر شب ساعت ۲۰:۳۰ در تئاتر مولوی روی صحنه می‌رود.

سرود «ای ایران» ثبت ملی شد

سرود «ای ایران» ساخته روح‌الله خالقی با شعر حسین گل‌کلاب هم‌زمان با روز بزرگداشت فردوسی، ثبت ملی شد. سرود «ای ایران» یکی از مهم‌ترین سرودهای ملی میهنی کشورمان محسوب می‌شود که روح‌الله خالقی آن را در زمان اشغال ایران در سال ۱۳۳۳ با استفاده از شعر حسین گل‌کلاب در آواز دشتی ساخت. از آن زمان تاکنون، مردم ایران این سرود را همچون سرود ملی ایران می‌ستایند و در هر کنسرتی که سرود «ای ایران» اجرا شود، ایرانی‌های داخل سالن به نشانه احترام به سرزمین‌شان برمی‌خیزند. احسرای بخش آوازی این سرود را غلامحسین بنان بر عهده داشته که هنوز هم بهترین اجرا از این سرود محسوب می‌شود. این سرود با شماره ۱۳۹۵ در فهرست آثار ملی کشور در سازمان میراث فرهنگی به ثبت رسیده است.

از ویژگی‌های این سرود، آن است که تک‌تک واژه‌های به‌کاررفته در آن، فارسی است و در هیچ‌یک از ابیات آن، کلمه‌ای غیرفارسی وجود ندارد. در سال‌های نخست پس از انقلاب، «ای ایران» برای مدت کوتاهی «سرود ملی» ایران بود که از رادیو و تلویزیون پخش می‌شد؛ اما پس از مدتی از رسانه ملی حذف شد تا سال‌های اخیر که در مناسبت‌ها و رویدادهای تاریخی و سیاسی خوانده می‌شود.

پرده بنفش

زوم چندماهه بر سینمای ایران در کانادا

شرق: یک مرکز فرهنگی نمایش فیلم در کانادا در ماه‌های آینده میزبان حمید فرخ‌نژاد، لیلا حاتمی و علی مصفا خواهد شد. مرکز فرهنگی «فونیکس» به مدیریت امیر گنجوی، در ماه‌های اخیر به‌عنوان یکی از نهادهای سینمایی ایران در خارج از کشور، فیلم‌های ایرانی را در کانادا پخش می‌کند.

هسته اصلی این مرکز دو سال پیش در تورنتوزده شده و اکنون این مرکز- فرهنگی در تمامی شهرهای اصلی کانادا (مونترال، ونکوور، ادمونتون، کلگری، اتاوا و ونکوور) فعالیت دارد. در این مدت چندماهه اخیر، فیلم‌های مختلفی از ایران با حضور عوامل آنها در کانادا در این مرکز پخش شده است. مانی حقیقی با (آژده وارد می‌شود و پنجاه کیلو آلبالو)، حامد پهاد با (هفت‌ماهگی و نیمه‌شب اتفاق افتاد)، نیکي کریمی با (شیفت شب و ربه‌ده‌شده)، فاطمه معتمدآریا با (آباجان)، شهاب حسینی با (خانه پدری و آپارتمان طبقه وسط)، لئون هفتوان با (دراکولا) از جمله هنرمندانی بودند که در این برنامه حاضر شدند و حسین معززینیا، منتقد سینما، نیز از میهمان‌های شش‌ماهه اخیر این مرکز بوده است.

همچنین طبق اعلام گنجوی قرار است ماه ژوئن (خرداد) حمید فرخ‌نژاد میهمان این مرکز باشد و لیلا حاتمی، علی مصفا و زری خوشکام دیگر میهمان‌های ویژه این مرکز در ماه جولای و اگوست هستند. بیش از ۵۰ عنوان از فیلم‌های مطرح و شناخته‌شده سینمای ایران در این مرکز و در شهرهای مختلف کانادا به نمایش درآمده است. طبق گفته گنجوی؛ «هدف اصلی فونیکس پخش فیلم‌های تحسین‌شده و برجسته سینمای ایران است. برگزاری جلسات نقد و بررسی با حضور عوامل از دیگر فعالیت‌های این مرکز است. ارتباط بسیار نزدیکی بین این مرکز و فضای نقد سینمایی برقرار شده است و در ضمن به‌طور اختصاصی در ونکوور، برنامه‌های سینمایی و نمایش فیلم به مدیریت دکتر امپروشوگ هاشمی، منتقد و نویسنده قدیمی سینما و عضو هیئت داوران جشن سینمایی حافظ و مدیر شرکت سפیک یونایتد پروداکشنز، برگزار می‌شود.

در تورنتو این برنامه مورد حمایت دانشگاه‌های «تورنتو» و «یورک» است و جلسات پرسش‌وپاسخ معمولا با حضور استادان دانشگاهی با منتقدان شناخته‌شده ایرانی برگزار می‌شود. نیکي کریمی آخرین میهمان این مرکز (و جشنواره سینه – ایران) از سطح کیفی/ فرهنگی برنامه‌های این مرکز در صفحه شخصی‌اش نوشته و از آن تعریف کرده است.

طبق اعلام مدیر مرکز فرهنگی «فونیکس»؛ «با وجود آنکه هزینه برگزاری و پخش فیلم در خارج از کشور بسیار سنگین است، از همان ابتدای پیدایش این مرکز هدف اصلی خود را حمایت از دانشجویان اعلام کرد، قیمت نسبتا پایین بلیت‌های این مرکز یکی از روش‌هایی بوده که مرکز فرهنگی فونیکس برای جذب مخاطبان استفاده کرده است، همچنین تا امروز مرکز فوق بدون هیچ‌گونه کمکی از هیچ نهادی و کاملا مستقل عمل کرده و با گرفتن اسپانسر از بخش خصوصی سعی کرده هزینه‌های برنامه‌های خود را تأمین کند».

ادامه از صفحه ۱۰

شاعرانگی‌های صحنه

وقتی می‌بینیم بازیگری در اولین دیالوگ خود صدايش می‌گیرد و مجبور به صاف‌کردنش می‌شود، آن‌هم به شیوه‌ای که بسیار مؤدب، مذموم استادان فن بیان بوده و هست، آنگاه فکر دیگری نمی‌توان کرد جز اینکه او قبل از آغاز نمایش و ورود به صحنه، این آداب و شئون را بجا نیاورده است. از اینکه بگذریم، باید گفت محمد حاتمی در شکل‌دهی به شخصیت «شمیل ایپانه» از تسلط بر نقش و حضور صحنه‌ای مناسبی برخوردار است، اما نتوانسته به ژرفاهای این شخصیت دست یابد. وی اندکی در بیرونی‌کردن شخصیت نویسنده کمتر از سطحی که باید، ظاهر می‌شود. شراره رنجبر و بهناز توسلی در نقش‌های لادن و شکوفه در تحلیل شخصیت‌ها در حد کفایت عمل کرده‌اند و در بازی‌ها نیز خوب ظاهر می‌شوند، اما مریم زارعی در نقش نیلوفر، در مبحث تحلیل تا حدودی سرگردان به نظر می‌رسد. تغییر رفتارهای درشت و پررنگ او دلیل محکم و کافی ندارند و در بازی، برخی از مواقع، به‌خصوص صحنه پایانی بازی‌کردن او دیده می‌شود، درحالی‌که شیوه‌ای که برای بازیگری این نمایش ازسوی کارگردان لحاظ شده با این جنس بازی تفاوت دارد. شبنم قلی‌خانی نیز مانند زارعی نمی‌تواند به توفیق دو همبازی دیگر خود در تحلیل نقش و بازی دست یابد و نحوه عکس‌العمل‌ها، بیرونی‌کردن حس‌ها و همین‌طور آن تالیاته صبدایی لازم که برای بازی بر صحنه تئاتر مورد نیاز است در نقش آفرینی‌اش از ضعف‌هایی همراه می‌شود.

در مبحث کارگردانی از فضای معمول کافه در طراحی صحنه که بگذریم، با یک پرده سیاه مواجهیم که در ابتدای نمایش جلو آن نویسنده و ارغوان بکدیگر را می‌بینند، سپس باز می‌شود و حوادث نمایش را می‌بینیم و در پایان نیز آن را می‌بندند؛ همان استفاده‌ای که از پرده عمودی بالاارونده در سالن‌های پرسپینوم به عمل می‌آید و کارکردی بیش از این برای این پرده در طراحی صحنه این نمایش نمی‌توان دریافت کرد. از این نکته که بگذریم، کارگردان در طراحی میزانشن‌ها و ترکیب‌بندی عناصر صحنه، آکسسوارها و... موفق عمل می‌کند و حرکت با شیء و وسیله‌ای از اجرا بیرون نزده و ماجرا با روانی مناسبی در بستری از فضای رئالیستی بر مخاطب عرضه می‌شود.